

Ignazio Silone
Uscita di sicurezza

Silone, Ignazio	سیلونه، اینیاتسیو، ۱۹۰۰-۱۹۷۸ م.	سروشنامه:
	خروج اضطراری؛ اینیاتسیو سیلونه؛ مترجم مهدی سجایی.	عنوان و پدیدآور:
	تهران، نشر ماهی، ۱۳۸۵.	مشخصات نشر:
	۱۶۶ ص.	مشخصات ظاهری:
	ISBN 978-964-9971-14-8	شابک:
	چاپ قبلی: الفبا، ۱۳۶۸.	یادداشت:
	فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.	یادداشت:
<i>Uscita di sicurezza</i>	عنوان اصلی:	یادداشت:
	کمونیسم - ایتالیا.	موضوع:
	سجایی، مهدی، ۱۳۲۳ - مترجم.	شناسه‌ی افزوده:
	۱۳۸۵ ۲ خ ۹ ص / HX ۱۸۹	رده‌بندی کنگره:
	۲۳۰۹۴۵/۳۳۵	رده‌بندی دیویی:
	۱۳۸۱۳-۸۵ م	شماره‌ی کتابخانه‌ی ملی:

خروج اضطراری

اینیاتسیو سیلونه

مترجم

مهدی سجایی



نقره ماه

تهران

۱۳۸۶

خروج اضطراری

نویسنده: ایبانشیر سیلونه
مترجم: مهدی سبحانی

چاپ اول: بهار ۱۳۸۶
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

مدیر هنری: حسین سجادی
حروف‌نگار: مینم واشویی
چاپ جلد: چاپ مشوریر
لیتوگرافی: گرافیک‌گستر
چاپ متن و صحافی: وزارت ارشاد اسلامی
سازمان چاپ و انتشارات

شابک: ۹۷۸-۹۶۲-۹۹۷۱-۱۲-۸
همه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است.



نفران

تهران، خ انقلاب، رویروی سینما سپیده، شماره‌ی ۰۱۲۹۸ واحد چهارم
تلفن و دورنگار: ۶۶۹۵ ۱۸۸۰

فهرست

۷	درباره‌ی نویسنده
۱۱	ملاقاتی
۲۱	گیس بلند جودیتا
۳۱	آشنایی با یک کشیش عجیب
۵۳	پولیکوشکا
۶۷	خروج اضطراری
۱۵۱	رنج بازگشت

درباره‌ی نویسنده

سکوندو ترانکوویلی، که بعدها با نام مستعار اینیاتسیو سیلونه شهرت یافت، در ماه مه سال ۱۹۰۰ میلادی در دهکده‌ای از استان عقب‌مانده‌ی «آبروتس» ایتالیا به دنیا آمد. پدرش خرده‌مالک بود و بر اثر بحران رشته‌ی تاکداری در ایتالیا، دار و ندار خود را فروخت و برای مدتی کوتاه به برزیل رفت. زلزله‌ای که در سال ۱۹۱۵ رخ داد سیلونه را بی‌خانمان و خانواده‌ی او را نابود کرد. سیلونه چند سالی از دبیرستان را در مؤسساتی با مدیریت کشیش‌ها به تحصیل پرداخت، اما با گسترش اغتشاش‌های سیاسی پیش از جنگ جهانی اول ترک تحصیل کرد و به فعالیت‌های سیاسی روی آورد. در سال ۱۹۲۱ به عنوان نماینده‌ی «جوانان سوسیالیست» در گنجره‌ی بنیانگذاری حزب کمونیست ایتالیا شرکت کرد و پیوستن جوانان سوسیالیست را به حزب تازه‌تأسیس اعلام داشت. با فعالیت پیگیر در این حزب، به عضویت کادر رهبری آن درآمد و به نمایندگی از آن در چندین گردهمایی بین‌المللی شرکت کرد. پس از وضع «قوانین ویژه‌ی رژیم موسولینی، همچنان در ایتالیا ماند و به همراه آنتونیو گرامشی، رهبری تشکیلات زیرزمینی حزب را به عهده گرفت. در این دوران چند بار غیباً محاکمه شد و سرانجام برای فرار از دست پلیس فاشیسم به خارج گریخت. به فرانسه، اسپانیا و شوروی رفت. در سال ۱۹۲۷، همراه با تولیاتی (رهبر تشکیلات برون‌مرزی حزب)

در نشست‌های کمیته‌ن در مسکو شرکت کرد. رویدادهای این اجلاس معروف، که به قبضه‌ی قدرت به دست استالین انجامید، نقطه‌ی شروع بحرانی سیاسی در بسیاری از حزب‌های کمونیست شد. بر اثر همین بحران، سیلونه سرانجام در سال ۱۹۳۰ برای همیشه از حزب جدا شد. از این زمان، تا هنگام بازگشت به وطن در سال ۱۹۴۴، سیلونه در سوییس ساکن شد و بیش‌تر به ادبیات پرداخت.

برخلاف دیگر کسانی که حزب کمونیست ایتالیا را در مخالفت با استالینسم ترک کرده و عموماً به جنبش‌های تروتسکیستی پیوسته بودند، سیلونه همچنان از فعالیت سیاسی برکنار ماند. اما در سال ۱۹۴۱، تحت فشار گروهی از مبارزان ایتالیایی، به سازماندهی نیروهای ضدفاشیستی پرداخت که در کشورهای مختلف اروپا پراکنده بودند. بدین‌گونه «کانون برون‌مرزی سوسیالیست» به وجود آمد. در همین حال، سیلونه نشریه‌ی دوهفتگی آینده‌ی کارگران را در زوریخ چاپ می‌کرد و به ایتالیا می‌فرستاد و این نشریه به‌ویژه در نقاط اشغال‌شده‌ی ایتالیا اقبال فراوان یافت.

فعالیت‌های سیاسی سیلونه پس از بازگشت به ایتالیا نیز به‌تناوب ادامه یافت. عضو کادر رهبری حزب سوسیالیست ایتالیا شد و مدیریت روزنامه‌ی ارگان این حزب را به عهده گرفت که در زمان او پرتیراژترین روزنامه‌ی کشور شد. همچنین، به نمایندگی از استان «آبروتس» در مجلس مؤسسان ایتالیا شرکت کرد. اما در مجموع، این فعالیت‌های سیاسی او را راضی نمی‌کرد، تا جایی که در سال ۱۹۴۸ از پذیرفتن نامزدی خود برای انتخابات پارلمان خودداری کرد. انگیزه‌ی این پرهیز، و نیز کناره‌گیری هرچه بیش‌تر او از فعالیت‌های سیاسی، چه در مقالات و چه در رمان‌های او تشریح شده

است. از جمله، در همین زمان در مقاله‌ای با عنوان انتقاد از خود نوشت: «کشمکش‌های این سال‌های پس از جنگ به بدگمانی من به حزب‌های سیاسی دامن زده و بر اعتقادم به آزادگی افزوده است.»

با گذشت زمان، سیلونه هرچه بیشتر به کاربرد اجتماعی و سیاسی ادبیات پی می‌برد و هرچه بیشتر خود را وقف آن می‌کرد. با این‌همه، علی‌رغم دوری از حزب‌ها، فعالیت اجتماعی او کمابیش ادامه داشت، هرچند که او دیگر خود را نویسنده، و نه چیز دیگر، می‌دانست و تکیه کلامش این بود: «عالی‌ترین وظیفه‌ی یک نویسنده این است که تجربه‌ی همگانی را به شعور همگانی تبدیل کند». براساس همین اعتقاد، او بر آن بود که «جای واقعی یک نویسنده، میان مردم و بیرون از قلمرو تشکیلات سیاسی است». از همین رو، خوش داشت خود را «مسیحی بی‌کلیسا و سوسیالیست بی‌حزب» بخواند.

سیلونه در ۲۲ اوت ۱۹۷۸ میلادی درگذشت. آثار عمده‌ی او عبارتند از: فونتامارا، ۱۹۳۳. فاشیسم، ۱۹۳۶. نان و شراب، ۱۹۳۸. مکتب دیکتاتورها، ۱۹۳۹. دانه‌ی زیر برف، ۱۹۴۰. و او پنهان شد، ۱۹۴۴. یک مشت تمشک، ۱۹۵۲. راز لوکا، ۱۹۵۶. روباه و گل‌های کاملیا، ۱۹۶۰. خروج اضطراری، ۱۹۶۵. ماجرای یک مسیحی بینوا، ۱۹۶۸.